

مسئولیت مدنی نهادهای دولتی

مؤلف

وحید خسروی

کارشناس ارشد حقوق دادرسی اداری

ویراستار

ناهید فرامرزی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	:	خسروی، وحید ۱۳۶۸ -
عنوان قراردادی	:	ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	:	مسئولیت مدنی نهادهای دولتی / مولف وحید خسروی ؛ ویراستار ناهید فرامرزی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۷۳ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۰۶-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	مسئولیت دولت -- ایران
موضوع	:	Government liability -- Iran
موضوع	:	مسئولیت (حقوق) -- ایران
موضوع	:	Liability (Law) -- Iran
موضوع	:	مسئولیت پذیری دولت -- ایران
موضوع	:	Government accountability -- Iran
شناسه افزوده	:	فرس، نا. ۱۳۵۱ - ویراستار
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ ۵۵۵/۲۸۲ MH
رده بندی دیویی	:	۵۵۰-۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۱۱۰-۸

انتشارات قانون یار

مسئولیت مدنی نهادهای دولتی

تألیف: وحید خسروی

ویراستار: ناهید فرامرزی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۰۶-۱

مرکز فروش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
بخش اول.....	۱۵
کلیات.....	۱۵
فصل اول.....	۱۷
مفاسیم.....	۱۷
فصل دوم.....	۳۳
اصول کلی مسئولیت بجائی در راستای جبران خسارت وارده.....	۳۳
بخش دوم.....	۶۷
قلمرو مسئولیت مدنی دولت.....	۶۷
فصل اول.....	۶۹
ارکان مسئولیت مدنی دولت.....	۶۹
فصل دوم.....	۸۹
جایگاه حقوقی شرایط مسئولیت مدنی و ارکان حقوقی جبران خسارت به عطف بهادهای دولتی.....	۸۹
بخش سوم.....	۱۲۷
رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی.....	۱۲۷
فصل اول.....	۱۲۹
آثار مسئولیت مدنی.....	۱۲۹



فصل دوم ۱۴۵

مراجع صالح رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی دولت ۱۴۵

منابع و مآخذ ۱۶۷

۱- راجع به ۵۱

۲- تالیف ۵۱

۳- راجع به ۷۱

۴- مجله ۷۱

۵- راجع به ۷۷

۶- کتاب استنادی به راجع به ۷۷

۷- راجع به ۷۹

۸- کتاب راجع به ۷۹

۹- راجع به ۸۹

۱۰- راجع به ۸۹

۱۱- راجع به ۸۸

۱۲- راجع به ۸۸

۱۳- راجع به ۸۸

۱۴- راجع به ۷۷

۱۵- راجع به ۷۷

۱۶- راجع به ۷۷

۱۷- راجع به ۷۷

حکومت در آغاز فعال مایشایی بود که به مناسبت سیطره و تفوقی که بر سایر قدرتها در قلمروش داشت از هر گونه تعرضی مصون و دور از دسترس اعضاء جامعه قرار داشت و بنام فرمانروای مطلق نظم و امنیت را به جامعه ارزانی می‌داشت و هرگاه که می‌خواست: آن را می‌ستاند بی آنکه امکان تظلمی نسبت به عملکردهای حکومت وجود داشته باشد زیرا این فرمانروا بود که منبع هر ضابطه و قانونی قلمداد میشد و او صاحب حکومت کشور و تک تک افراد جامعه بود بنابراین در سازماندهی روابط اجتماعی آنچه بود دست سلطان بود و رعیت، و مصونیت فرمانروا و به تعبیر دیگر حکومت در انجام امور صهرنی، رجه و غیرقابل تردید داشت.^۱ در گذار از تاریخ افول شب‌های تاریک قرون وسطی اندیشه‌دان روشنگری با رجعتی بر اندیشه‌های حقوق طبیعی نسبت به بازیابی آزادیهای انسان در آثار خود کوشیدند و با آگاهی انسانها نسبت به حقوق ذاتیشان نهضت‌های بزرگی در مقابل خودرایی حکومت‌های مطلقه را سازماندهی نمودند تا آنجا که پادشاهان مجبور به استناد به حقوق انسانها شدند و در طی این مسیر بود که حکومت‌های مطلقه به حکومت‌های مشروطه که ناگزیر از احترام به حقوق طبیعی رعایای خود بودند بدل شدند و نهایتاً این حکومت‌های مشروطه نیز با محور قرار گرفتن حق مردم بعنوان مبنی حکومت به دولتهای قانونمند تبدیل شدند.^۲ قانونمندی دولت تأکیدی است بر مفهوم حقوقی حکومت، به این عنوان که بر اساس به رسمیت

^۱ - مجید، غمانی، مسؤولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶،

^۲ - پیشین، ص ۱۱.

شناخته شدن حق مردم در تعیین سرنوشتشان در جمیع شئون اجتماعی با تفکیک در حوزه‌های کارکردی حکومت از صورت بیان اراده فردی خارج شده و سازمانی با صورتبندی حقوقی می‌یابد که بعنوان نماینده منافع عمومی واجد شخصیتی متمایز از افراد جامعه گردیده و این شخصیت متمایز حقوقی منبع حقوق و تکالیف آن شناخته می‌شود. از دیرباز در تفکیک حوزه‌های کارکردی حکومت دیگر این شهروندان هستند که واجد صلاحیت تصمیم‌گیری برای اداره امورشان می‌باشند که بیان اراده جمعی آنان مفهوم قانون به خود گرفته و بر مدار آن است که جامعه اداره می‌گردد، محوریت قانون در اجتماع نمادی از مقادیر گردیدن حکومت است و در این چیرگی نه تنها حکومت مقید به قانون است بلکه موجودات حکومت به قانون وابسته است به تعبیری دیگر دولت واجد شخصیت حقوقی است از آن که قانون او را واجد این شخصیت شناخته است. بهمین جهت دور از انتظار نیست که حکومت را در قبال وظایفش در مقابل قانون مسئول بشناسیم و بهمین خاطر است که دولت در عرصه‌هایش ناگزیر از کسب مجوز قانونی (کسب صلاحیت) می‌گردد و وجود نداشتن این صلاحیت، بطلان عمل حکومت و ضمانت اجراهایی قوی نظیر برکناری کارگزاران خاطی حکومت را به همراه دارد.

آنچه که در باب مسئولیت دولت بیان شد تنها به مسئولیت در مقابل قانون بسنده گردید و هنوز شأن اجل دولت بعنوان «نفس کل»^۱ در مقابل افراد مردم ملاحظه نشده است.

اما رویکردی متحول‌تر نسبت به دولت که می‌توان آن را نتیجه برداشتی نوین از اصل حاکمیت قانون دانست شمول مفهوم «تساوی در برابر قانون» علاوه بر شهروندان و

۱ - دکتر شمس الدین فرهیخته، فرهنگ فرهیخته، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۲۱.



اشخاص حقوقی حقوق خصوصی بر شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی بطور اعم و بر شخصیت حقوقی دولت بطور اخص است که نتیجه این تلقی از مفهوم تساوی در برابر قانون در مواجهه با خسارات ناشی از عملکرد دولت در قبال شهروندان و سایر اشخاص حقوق خصوصی گسترش دامنه مسئولیت مدنی به دولت خواهد بود. در قرن ۱۹ پس از انتقاد از نظریه مصونیت دولت، اصل عدم مسئولیت دولت که ملهم از عقیده حاکمیت مطلق دولت بود با گسترش دموکراسی و با پیدایش افکار جدید و ظهور حقوق مردم در صحنه سیاسی و همینطور گسترش جبران خسارت و مسئولیت در روابط خصوصی در اثر توسعه تکنیک، بیمه بنای خود را به اصل پذیرش مسئولیت مدنی دولت داد. اینکه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی بتوانند خسارت وارده به خود از جانب سازمانها و نهادهای دولتی را ترمیم نمایند انبیا‌ای درست و عادلانه می‌باشد و پذیرش جبران خسارت زیان دیده از سوی قانونگذار از پایه‌های اصل لزوم تساوی در مقابل قانون است.

اما سؤالی که باقی می‌ماند این است که آیا مبنای مسئولیت مدنی دولت همان مبنای عام مسئولیت مدنی مطرح در حقوق خصوصی است؟ و یا اینکه ذراع خاص خود را طلب می‌کند؟ در این خصوص عقاید متفاوتی وجود دارد که می‌توان گفت مبنای مسئولیت مدنی دولت را بر پایه تقصیر بنا نهادند و اینگونه بیان کردند که دولت تنها در مواردی نسبت به اعمال کارکنان خود مسئولیت دارد که اعمال آنها در حین انجام وظیفه و مربوط به خطای اداری آنها باشد. یعنی دولت دامنه مسئولیت مدنی خود را بسیار محدود می‌کند و دولت تنها در قبال خطای اداری کارمند که به طور غیر عمدی



صورت می‌گیرد مسئول شناخته می‌شود و در صورتی که فعل کارمند در حین انجام وظیفه همراه با سوء نیت و خطای سنگین باشد آنرا از مسئولیت مدنی دولت جدا دانسته و مسئولیت شخصی کارمند را مطرح می‌سازند. با رویکردی به دولت ناکارآمدی نظریه تقصیر در مورد اعمال دولت نیز نمایان است بر همین اساس گروهی در جهت جبران خسارت زیان‌دیده و ایجاد مسئول مستطیع در جبران خسارت خطای اداری را پیشنهاد دادند و اظهار نمودند که دولت در تمامی اعمال کارمندان که در حین انجام وظیفه سبب خسارت به اشخاص می‌شود مسئولیت تضامنی دارد خواه این اعمال عمدی باشد یا غیر عمدی. در مرحله بعد یعنی پس از جبران خسارت زیان‌دیده توسط دولت و در مراجعه دولت به کابینه خطای از نظریه تقصیر پیروی کردند یعنی به نوعی قائل به مسئولیت مستقیم دولت شدند.

پیروی از نظریه‌های فوق در حقوق کشورهای مختلف تحولات عمده‌ای را در باب مسئولیت دولت به ارمغان آورده است که در بخشهای آتی به آن اشاره می‌شود.

نظریه دیگری که موجب تشکیل مسئولیت مدنی دولت می‌گردد مبتنی بر تساوی در برابر هزینه‌های عمومی و تضمین حق است که از خلال قواعد ریزه‌ای از قواعد عام مسئولیت مدنی استنباط می‌شود. مقایسه دولت با شرکتهای بیمه مبنای نظریه دیگری است یعنی دولت به مثابه یک شرکت بیمه بزرگی مستلزم به جبران خسارت وارده به افراد جامعه می‌باشد.